

معماری گروه آینده‌نگاران و آفرینش‌باوران قم

آرزوی برخی از بزرگان و اندیشمندان که روزی بتوان بر پایه مبانی دینی و اصول اعتقادی به صورت علمی به آینده نظر انداخت و با پیش‌بینی حوادث و رویدادها، آن‌ها را به نفع مطلوبیت‌های ایمانی تغییر داد. بتوان نظام علمی مشهود را بر محور نیروهای ماورایی یا همان مبتنی بر غیب تبویب و تنظیم نمود، به گونه‌ای که مسیر حرکت جامعه بر صراط مستقیم استوار گردد، نه مغضوب باشد و نه بر گمراهی. هدف این نوشتار همین، تا در سایه حوزه علمیه قم، در این شهر مقدس، گروهی همراه برانگیزد برای دستیابی به این مقصد.

نیاز و ضرورت

ضرورت آینده‌نگری

اگر راننده اتوبوسی با چهل نفر مسافر بداند تا سه ثانیه دیگر خودرویی از چراغ قرمز با سرعتی زیاد گذر خواهد کرد، پشت چراغ سبز می‌ایستد و جان چهل و دو نفر را نجات می‌دهد؛ چهل مسافر، خود و حتی راننده خودروی متخلف. درک ضرورت اطلاع از آینده و پیش‌بینی آن به همین سادگی است و نیاز به بحث‌های مفصل ندارد.

قدرت آینده‌نگاری

اما دیگران که این نگرش و بینش را ندارند و آنچه او دیده نمی‌بینند. آن‌ها از چراغ سبز عبور می‌کنند و تصادف در هر صورت رخ خواهد داد. او اگر بتواند آینده را تغییر دهد، مثلاً با توقیف نامتعارف و اُریب در سر چهارراه، مانع عبور سایر خودروها شود، شاید ابتدا برخی سر و صدا کنند و ناراحت، اما وقتی تخلف عبور از چراغ قرمز با آن سرعت را مشاهده کردند، خدا را از این بابت شاکر خواهند بود.

آینده‌نگاری علمی

این بار فردی متخصص بیاید و ریشه‌های چنین رفتارهای جنون‌آمیزی را تحلیل نماید. تمام آینده‌های خطرناک شهر را پیش‌بینی، تمام چهارراه و چراغ قرمزها را. برنامه‌ای آموزشی تأسیس، تغییراتی در هندسه چهارراه‌ها، اقداماتی اصلاحی. او از بنیان و اساس صدها تصادف را رفع و رجوع می‌کند. زیرا آینده را بسیار پیش‌تر و دقیق‌تر دیده است.

مبانی راهبردی

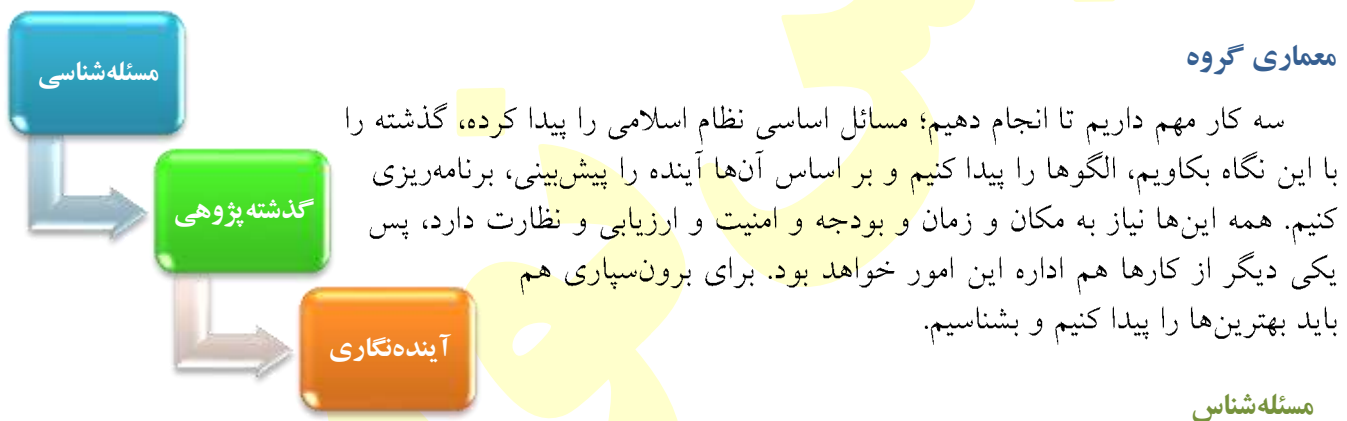
چشم‌انداز گروه

ما می‌توانیم اگر متخصص در آینده‌نگاری نیستیم، اما آینده‌پژوهانی را پیدا کرده و به کار بگیریم، تا با اتکا به باورهای ایمانی، به صورت علمی و دقیق به آینده نظر افکنند و بر اساس احتمال وقوع پدیده‌ها، بهترین سناریوها را برای ایجاد تغییر مطلوب پیشنهاد نمایند. بدون این‌که در چارچوب علوم ماتریالیستی اسیر شده و تمام اسباب و مسببات و علل و عوامل پدیده‌ها را مادی تحلیل کنند. ما این توانایی را خواهیم داشت، به حول و قوه الهی.

اصول راهبردی

۱. ساختار تشکیلاتی مفصل نمی‌خواهیم. تا اسیر نظام اداری نشده، بودجه‌ها هرز نرود و از سرعت و شتاب حرکت‌مان نکاهد. می‌خواهیم سازمان‌مان را چابک و چالاک طراحی کنیم.
۲. مدیران فراوان خوب نیست. به دیگر نهادها که می‌نگریم، بیشتر مدیر می‌بینیم تا کارگزار و کارمند. او که کار گل می‌کند اندک است و تمام چارت سازمانی پر شده از مدیران ادارات و دفاتر و واحدها و مدیران کل!
۳. برون‌سپاری محور پژوهش‌های ماست. به جای جذب نیروی انسانی و استخدام، تعداد پرسنل را اندک نگه داشته و هر جا نیاز بود، تبدیل به پروژه و قرارداد شده و واگذار می‌گردد به نیروهای آزاد.
۴. به تعارض منافع توجه می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم فریب بخوریم. اگر پروژه‌ها بیافتد دست همکاران خودمان، پرسنل از کار داخلی باز مانده و تلاش می‌کنند پروژه کنند و خودشان را برون‌سپاری نمایند!
۵. می‌خواهیم راندمان در بالاترین حد ممکن باشد. پس نظارت و ارزیابی باید دقیق، کنترل دائم و جریمه‌ها و مجازات‌ها شدید، به نحوی که اطمینان حاصل نمایم رفاقت و صداقت‌های بینابین مانع بهره‌وری نمی‌گردد. این بشود محور مکالمات‌مان: «من اگر چه با تو دوستم، ولی قبل از دوستی با تو به خدا تعهد داده‌ام، پس به جهت تخلف، تو را جریمه خواهم کرد، به نحوی که خدا راضی شود، مطمئنم که تو هم به رضایت خدا راضی خواهی شد!»

معماری گروه



سه کار مهم داریم تا انجام دهیم؛ مسائل اساسی نظام اسلامی را پیدا کرده، گذشته را با این نگاه بکاویم، الگوها را پیدا کنیم و بر اساس آن‌ها آینده را پیش‌بینی، برنامه‌ریزی کنیم. همه این‌ها نیاز به مکان و زمان و بودجه و امنیت و ارزیابی و نظارت دارد، پس یکی دیگر از کارها هم اداره این امور خواهد بود. برای برون‌سپاری هم باید بهترین‌ها را پیدا کنیم و بشناسیم.

مسئله‌شناسی

او فردی است که مشکلات جامعه را بر می‌رسد. مدام حوادث را پیگیری کرده و طبقه‌بندی می‌کند. روابط آن‌ها را ملاحظه می‌نماید، تا مهم‌ترین چالش‌ها را پیدا کند. مسئله‌شناس نظامی از مسائل اجتماعی داخلی و بین‌المللی و جهانی را تنظیم می‌کند. این نظام مسائل پیوسته به روز می‌شود و با جدیدترین اتفاقات همساز. او تنها یک نفر است، ولی هر جا نیاز به کمک داشت، مثلاً برای شناخت مسائل جهانی با استفاده از منابع خارجی، پروژه تعریف کرده و برون‌سپاری می‌نماید.

گذشته پژوه

او نیز یک نفر است که مدام سر در تاریخ دارد. بیشتر تاریخ معاصر هم. نه منحصر در تاریخ کشور خودمان، بلکه تمام مناطق جهان. نقطه به نقطه حوادث را شناسایی نموده و روابط و پیوستار زمانی آن‌ها را پیدا می‌کند، بلکه به روابط سببی آن‌ها دست یابد. او الگوهایی را کشف خواهد کرد که می‌تواند برای پیش‌بینی آینده به کار رود.

محور مطالعات گذشته‌پژوه باید نظام مسائلی باشد که مسئله‌شناس ارائه کرده است. ما که تمام روابط سببی را نه لازم داریم و نه می‌توانیم بشناسیم. مهم‌ترین همان‌هایی هستند که برای حل مسائل مبتلی به عصر ما لازمند.

آینده‌نگار

این مهم‌ترین محور فعالیت‌های گروه ماست و خودش چند کار مختلف دارد. هم نیاز به الگوهایی دارد که گذشته‌پژوه

کشف کرده، هم نظام مسائلی که مسئله‌شناس ارائه. اما این کافی نیست. او به حجم زیادی از ایده‌ها نیاز دارد که رها و آزاد بیان شوند، بی‌توجه به امکان یا عدم امکان تحقیق‌شان. او به نگرش‌ها و مبانی دینی نیاز دارد، تا مطلوبیت‌ها و راهکارها را در عمق این مبانی ببیند. در نهایت باید قادر به «هم‌بندی» باشد. این‌که ایده‌های گزینش‌شده را تا متن منابع دینی ببرد و از درون آن‌ها آینده را ترسیم کرده و راهکار دستیابی به آن‌ها را تشریح کند.



او نیز اگر چه تنهاست، ولی به دنیایی از روحانیون و طلاب علوم دینی دسترسی دارد. می‌تواند تک‌تک مسئله‌ها و الگوها و دین‌پژوهی‌ها را برون‌سپاری کند. حتی پروژه‌هایی که همه را با هم جمع کرده و به خروجی مطلوب برساند: یعنی دستورات آینده‌نگارانه.

منبع یاب

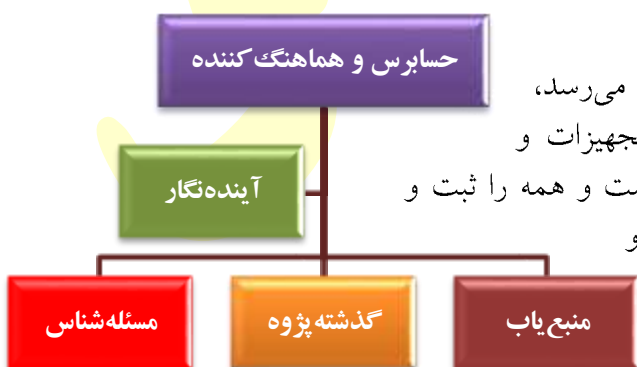
در مدل‌سازی غربی به تمام منابعی که سازمان نیاز دارد Resource گویند. منابع می‌تواند هر کدام از این موارد باشد:

۱. نیروهای انسانی مورد نیاز برای برون‌سپاری پروژه‌ها
۲. کتاب، مقاله، جزوه، نمودار، نقشه و هر نوشته و مکتوبی که نیاز گروه باشد
۳. ایده‌های فراوانی که در رسانه‌ها منتشر یا در دل‌ها نهان داشته شده
۴. نرم‌افزارهای تسهیل‌کننده فعالیت‌ها
۵. مشتریانی بالقوه برای پروژه‌ها که بتوانند در تأمین بودجه مفید باشند

اگر چه شاید گروه در تأمین بودجه به نهادهای بالادستی خود متکی باشد، ولی می‌تواند بعضی پروژه‌ها را طوری تعریف کند که مشتری داشته باشند؛ مثلاً پروژه‌های تاریخ‌پژوهی.

در نهایت، منبع‌یاب یک نفر است که تمامی نیازهای فوق را باید پیدا و معرفی کند. او باید تمام قشرهای حوزوی را بشناسد، تخصص‌ها را بداند، ویژگی‌ها را، در هر قدم از فعالیت‌ها بتواند بهترین‌ها را تماس بگیرد و حاضر به همکاری سازد. گویی که روابط عمومی گروه هم دست اوست. مصاحبه کند و ایده‌ها را بیرون بکشد.

حسابرس و هماهنگ‌کننده



یکی از همکاران گروه فردی است که به حساب همه می‌رسد، رسیدگی می‌کند یعنی. از تمامی منابع مالی و امکانات و تجهیزات و نیروهای انسانی همکار و پروژه‌های برون‌سپاری شده آگاه است و همه را ثبت و ضبط می‌کند. هر انحراف بودجه‌ای را به شدت برخورد کرده و گزارش می‌نماید. حق امضا دارد و پرداخت‌ها را اداره می‌کند.

اما امور مالی آن‌قدر گسترده نیست که تمام وقت یک نفر را بگیرد. تمامی امور اداری نیز بر عهده اوست. خریده‌ها، تأمین‌ها، اداره فضا و مکان فعالیت. حتی مسئله امنیت و حراست و حفاظت نیز از وظایفی است که بر عهده دارد. ورود و خروج‌ها، غیبت‌ها و تأخیرها، جلسات و رویدادها. همه قراردادها را تنظیم می‌کند و پیگیری می‌نماید. دیگران به چنین نقشی Coordinator گویند.

۱. تمامی اعضای گروه از نظر رتبه سازمانی برابر هستند و تفاوت‌ها فقط به جهت اختلاف در وظایف و مسئولیت‌هاست.
۲. این یک کار گروهی و تیمی است و هیچ مدیر مستقیمی وجود ندارد. همه کارمند هستند و با هم کار می‌کنند.
۳. تصمیمات عمومی را با هم و در فضایی مشارکتی می‌گیرند، بدون نیاز به دموکراسی، بلکه با گفتگو و همراهی.
۴. فردی که امور مالی و اداری را بر عهده دارد؛ حسابرس، فعالیت‌های دیگر اعضای گروه را مانند یک برج مراقبت فرودگاهی هماهنگ می‌کند. کار او شبیه به مدیر داخلی در سایر سازمان‌هاست.
۵. آینده‌نگار از جهت وظایفی که بر عهده دارد نماینده گروه در تمامی جلسات بالادستی‌ست. او چون محصول نهایی را بیرون می‌دهد و مکلف به تولید خروجی کل گروه، دستاورد تمام فعالیت‌ها را جمع کرده و تنظیم می‌کند. این ارتباط سبب می‌شود فعالیت‌های پژوهشی را هدایت و هدفگذاری نماید.
۶. اصل بر این است که تمام کارها توسط خود اعضای گروه انجام می‌شود و نیازی به کارمند و دستیار و منشی و همکار نیست. اما اگر نیازی هم پیدا شد، قرارداد نوشته شده و با تعریف پروژه برون‌سپاری خواهد شد.
۷. در پروژه‌ها وظیفه نظارت و ارزیابی به کارشناسی بیرونی واگذار می‌شود، ولی مسئول نهایی هر پروژه خود همان عضوی از گروه است که پروژه را تعریف نموده است.
۸. برای بهره‌مند شدن از نظریه دانش سازمانی، هر سند، مطلب، ایده، فعالیت، گزارش، مصاحبه و خلاصه هر مطلبی که به گروه وارد شده، یا در گروه پردازش شده، یا محصول گروه بوده، در نرم‌افزاری به عنوان بانک آساند به دقت ثبت و نگهداری می‌گردد. منبع‌یاب مسئول بانک آساند است و حسابرس مسئول امنیت و حفاظت از این بانک.
۹. به جهت اهمیت استراتژیک و راهبردی «اطلاع از آینده»، تمامی فعالیت‌های گروه به صورت پیش‌فرض «محرمانه» تلقی می‌گردد. حفاظت اطلاعات یکی از وظایف حسابرس است.
۱۰. محرمانگی اقتضا می‌کند تا استفاده از شبکه‌های آزاد اطلاعات، مانند: اینترنت و تلفن همراه، در داخل فضای فعالیت گروه و جلسات محدود و تحت نظر حسابرس باشد. همچنین تجهیزات ضبط صدا و تصویر.
۱۱. تعارض منافع مطلب مهمی‌ست. از این رو، هیچ‌کدام از اعضای گروه مجاز نیستند طرف پروژه قرار بگیرند و یا در پروژه‌ای که برون‌سپاری شده فعالیت انجام داده و نقشی داشته باشند.
۱۲. اگر روشن شد فردی از گروه مبلغی از پروژه دریافت کرده، یا نقشی در اجرای پروژه‌ای داشته، یا اطلاعاتی را از غیر مسیر قانونی در اختیار پروژه قرار داده، از گروه اخراج شده و موظف است به عنوان جریمه، نیمی از یک‌سال حقوقی را که از گروه دریافت کرده به صورت قسطی بازپرداخت نماید؛ یعنی به همان ترتیبی که دریافت کرده، هر ماه نیمی از حقوق آن ماه را!
۱۳. اعضای گروه با هم دوست، رفیق و مهربان هستند. اما در عرصه وظایف و تکالیف هر مسامحه و کوتاهی جرم محسوب می‌شود و به جهت اولویت «رضایت خدا» بر «رضایت همکار» با شدت و غضب مواجه خواهد بود. سایر اعضای گروه هم‌پیمان شده و با عضو خاطی برخورد خواهند کرد.
۱۴. تمام این ضوابط و قوانین در آغاز همکاری به اطلاع رسیده و هر کدام از اعضای گروه ضمن تعهد شفاهی، به صورت کتبی نیز متعهد می‌شوند، تا در صورت نیاز بتوان به صورت قانونی هم پیگیری کرد.

نُفُوضُ أَمْرِنَا إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
تَمَّتْ: ۸ شَوَّال ۱۴۴۵ هـ ق - قم المقدَّسة

